

جوانان حکمتیست ۲۶

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست
Youth Communist Organization - Hekmatist

www.javanx.com

سر دبیر: فواد عبداللہی
foadsjk@yahoo.com
دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com

سه شنبه ۲۶ فوریه ۲۰۰۵ - ۲ اسفند ۱۳۸۳



هشت مارس روز آزادی و برابری! روز همه دختران و پسران جوان به تنگ آمده از حکومت قرون وسطایی اسلامی است!

هشت مارس سالها است در ایران روز اعتراض به بی حقوقی زن، به جداسازی جنسی در جامعه و روز به میان آوردن کيفرخواستهای همه زنان، دختران جوان و مردمی است که قربانی حکومت ضد زن در ایران شدند.

این روز روز به میان آوردن کيفرخواستهای عاطفه رجبی های ۱۶ ساله است که به خاطر داشتن رابطه جنسی به دار آویخته شد! این روز روز به میان آوردن کيفرخواستهای ژيلا و بختيار ۱۳ و ۱۵ ساله ای است که به خاطر رابطه جنسی شلاق خوردند و حکم سنگسار گرفته اند! این روز، روز به میان آوردن کيفرخواست لیلی ۱۹ ساله ای است که از ۸ سالگی به فحشا کشیده شد و در ۹ سالگی مادر شد و طعم تازیانه مجازات اسلامی را چشید و ... در ۱۸ سالگی حکم مرگ گرفته است!

روز جهانی زن روز اعلام کيفرخواست میلیونی زنان در سراسر جهان است. روز اعتراض به دستمزد نابرابر برحسب جنسیت، روز اعتراض به قطع مزایای مادران و والدین، روز اعتراض به تبعیض نسبت به زنان در مدرسه و محل کار و کوچه و خیابان، روز اعلام برابری زن و مرد در تمام وجوه زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی است.

این روز در ایران و کشورهای مشابه بعلاوه روز به مصاف طلبیدن کثیف ترین و غیر انسانی ترین قوانین و سیستم های ضد زن است. در ایران و کشورهای مشابه هشت مارس بعلاوه روز اعتراض به دخالت مذهب و اسلام در زندگی زنان، روز اعتراض به آپارتاید جنسی و روز اعتراض به فقر و فحشا و نکبت و سیاهی است که حکومت های قرون وسطایی چون حکومت اسلامی ایران بر زندگی زنان پاشیده است.

هشت مارس همه جا روز اعلام خواست میلیونی مردم، خواست آزادی و برابری است. در ایران اولین قدم در راه تحقق آزادی و برابری، خلاصی زنان، خلاصی کودکان و خلاصی همه مردم از شر حکومت ضد زن اسلامی ایران است. هشت مارس روز جهانی زن، روز همه مردم، همه جوانان و همه کسانی است که از توحش حکومت اسلامی ایران به تنگ آمده اند. میتوان و باید این روز را به روزی برای نزدیک تر کردن رفتن تمام و کمال حکومت اسلامی تبدیل کرد.

برای آزادی زن، حکومت اسلامی باید برود! گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست
۲ اسفند ۱۳۸۳ - ۲۱ فوریه

نگذاریم راحت بیایند و بروند!

بهرام مدرسی

شعرهای زنده باد آزادی و برابری، رژیم اسلامی به استقبال "انتخابات" ریاست جمهوری می رود. مستقل از اینکه رفسنجانی یا معین "کاندید" هستند، مستقل از اینکه چه دسته بندی جدیدی در جناحهای درون رژیم اسلامی به "رقابت" با یکدیگر خواهند پرداخت، این مضحکه که نام آنرا انتخابات نهاده اند برای مردم رسواتر از همیشه است. رژیم اسلامی این بار نه پرچم دوم خرداد و خامنی و نه صف "مگراندیشان" قدیم پاسدارش را در جیب دارد. رژیم لخت و عریان بیشتر از همیشه مقابل مردم قرار گرفته است. لخت و عریان با تمام دستگاه های تحمیق مذهبی، ولی فقیه و خامنی و لشکر ویلان دوم خردادش. دانشگاه در سنت بخشی از برادران رژیم اسلامی، محلی برای اظهار وجود بوده است و اخیرا "تورهای" انتخاباتی را هم در دانشگاه های مختلف آغاز کرده اند. این بالماسکه "انتخاباتی" را در همه جا و بخصوص در دانشگاه ها باید رسوا کرد. دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد هفته گذشته به استقبال مصطفی معین رفتند. شعار "دولت کارآمد، شهروند توانمند" معین با

آزادی زن آزادی جامعه است، زنی که بی اینک رفسنجانی یا معین "کاندید" هستند، مستقل از اینکه چه دسته بندی جدیدی در جناحهای درون رژیم اسلامی به "رقابت" با یکدیگر خواهند پرداخت، این مضحکه که نام آنرا انتخابات نهاده اند برای مردم رسواتر از همیشه است. رژیم اسلامی این بار نه پرچم دوم خرداد و خامنی و نه صف "مگراندیشان" قدیم پاسدارش را در جیب دارد. رژیم لخت و عریان بیشتر از همیشه مقابل مردم قرار گرفته است. لخت و عریان با تمام دستگاه های تحمیق مذهبی، ولی فقیه و خامنی و لشکر ویلان دوم خردادش. دانشگاه در سنت بخشی از برادران رژیم اسلامی، محلی برای اظهار وجود بوده است و اخیرا "تورهای" انتخاباتی را هم در دانشگاه های مختلف آغاز کرده اند. این بالماسکه "انتخاباتی" را در همه جا و بخصوص در دانشگاه ها باید رسوا کرد. دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد هفته گذشته به استقبال مصطفی معین رفتند. شعار "دولت کارآمد، شهروند توانمند" معین با

تضمین کنند که هیچ مراسم "انتخاباتی" و هیچ "کاندیدی" قسر از دانشگاه آنها در نمیروند!

در محلات هم باید بساط انتخاباتشان را بهم بزینم. پوستراهیشان را از بین ببریم. دیوراهای محلات ما باید بجای چهره های منفور این کاندیدها، مملو از شعارهای ما باشند. محله ما متعلق به ماست! این را باید بخصوص امروز

توضیح دهید. دستهای هزاران جوان در این مبارزه ای هماینگ و بزرگ خواهند گرفت. به صف ما بپیوندید!



نشان داد. جوانانی که محلات خود را از وجود پوستراهی این جانیان تاریخ پاک کرده اند و بجای آن با شعارهای آزادی و برابری نوید آینده ای آزاد و انسانی را میدهند، شایسته گرمترین درود ها هستند. به صف این جوانان آزادیخواه باید پیوست. باید از همین امروز دست بکار شد. بچه های محل را جمع کنید! متحد شوید و بساط انتخاباتشان را بر هم بزنید! اگر از بی حقوقی زنان صبرتان لبریز شده است، اگر از وجود زندان و شلاق و پاسدار متنفرد، اگر از اسلام و مذهب و قرآن حالتان بهم میخورد، اگر میخواهید آنتور که میلتان است زندگی کنید، اگر از بیکاری و بی آیندهی زجر میکشید، برای تضمین مبارزه ای تا به آخر با رژیم اسلامی و تعرضی هماینگ به کل این مناسک انتخاباتی به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید. دستهای هزاران جوان در این سازمان شما را در آغوش گرم مبارزه ای هماینگ و بزرگ خواهند گرفت. به صف ما بپیوندید!

حمایت از
"مشور"
سرنگونی
جمهوری
اسلامی



زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

ما تنها نیستیم !

آرش حمیدی

پیوندند. بعد کم کم دیدیم که زیاد شده ایم و باز هر جایی که می رفتیم بو می کشیدیم و هر که را که سرش برای راهی و برابری انسان درد می کرد پیدا می کردیم.

راستش را بخواهید هیچ جایی، پرسش نامه عقیدتی جلوی کسی نگذاشتیم! از مارکسیست بودنش نپرسیدیم. از هر کس که می خواست برای آزادی و برابری تلاش کند، ناسیونالیست و قوم گرا نبود، مسئله اساسی اش انسان بود و با استعمار مخالف بود، استقبال کردیم، دستش را فشردیم و گفتیم ما هم با او هستیم. خیلی جاها اگر کسی تنها بود، دوستان و همفکرانش را به او معرفی می کردیم و نمی گذاشتیم تنها بماند. بعدها خیلی از همزمان از طریق ما با حکمت، مارکس و حزب آشنا شدند و مبارزه شان جنبه آگاهانه تری به خود گرفت.

رفقا! باور کنیم هیچ انسان دردمندی در ایران، جمهوری اسلامی را نمی خواهد، همه می خواهند گورش را گم کند اما مشکل اصلی همین تنهایی است. این است که باید همه را به هم وصل کرد، مطمئن هستیم که اکثریت جامعه، تصویری که از فردای بعد از جمهوری اسلامی دارد، مانند ما کمونیست های کارگری است. فردایی که زندگی آزاد است، زن و مرد برابر هستند، آزادی بیان برای همه هست و کسی، کسی را از پا در نمی آورد.

چیزی که جمهوری اسلامی را سر پا نگه داشته است تنهایی و ضعف ماست و اگر کسی می ترسد به این خاطر است که خود را بیکه و تنها احساس می کند. ۸ مارس در پیش است باید نهایت استفاده را کرد از همین موقعیت باید برای آشنایی بیشتر با همديگر استفاده کنیم. باید مبارزین را شناخت، با آنها دوست شد ارتباط پیدا کرد و متحد و متشکل شد.

فردا که خیلی دور نیست همین شبکه های متحد مبارزین کمونیست هستند که کار رژیم را يك سره می کنند و با رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست قدرت می گیرند. آینده از آن ماست، به شرط آنکه متحد شویم.

دوستی دارم که همیشه می گوید: " ما فقط باید هر جا که می رویم همه را به هم وصل کنیم. " و درست می گوید. بگذارید از خودم بگویم. من چند سال پیش مارکسیست نبودم تا اینکه کتابی از مارکس را اتفاقاً خواندم و بعد همین طور پشت سر هم کتابهای مارکس را من و یکی از دوستانم خواندیم و مارکسیست شدیم. اول یکی بود، یکی نبود، فقط ما دو نفر مارکسیست بودیم. فکر می کردیم تو دنیای به این بزرگی فقط ما هستیم که مارکسیست هستیم، آزادی و برابری را می خواهیم و با استعمار مخالفیم. چقدر احساس تنهایی می کردیم و چقدر به ما سخت می گذشت. تا اینکه به جستجو اطراف خودمان پرداختیم.

دیدیم که انسانهای دیگری هم هستند که مثل ما فکر می کنند بعضی به طور کلاسیک مارکسیست هستند و عده خیلی بیشتری هستند که وقتی از آزادی و برابری برایشان می گویی انگار گم شده خویش را پیدا می کنند و به ما می

حمایت از "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی"

حزب حکمتیست ها، بیانیه خود را در مورد "رفراندم، جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی"، به همراه "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" را منتشر کرد. انتشار این اسناد و منشور سرنگونی جمهوری اسلامی بخصوص، آینده ای دیگر را در تقابل با سناریو سیاهی که نیروهای راست و دولت آمریکا از یکطرف و اسلام سیاسی و رژیم اسلامی از طرف دیگر، امکان تحمیل آن به مردم در ایران و منطقه دارند را در مقابل همه قرار میدهد.

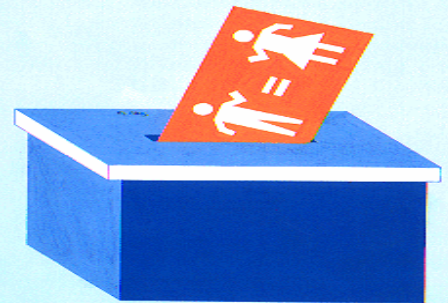
بشریت آزادیخواه در ایران، جوانان و زنان، مردمی که حاضر نیستند نه عراقیزه کردن ایران را و نه ادامه حیات هر ذره ای از دم و دستگاه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و مذهبی رژیم اسلامی را قبول کنند، باید منشور سرنگونی جمهوری اسلامی را بعنوان منشور خود اعلام کنند!

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست، حمایت خود را از منشور سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام میکند. اعضا، کادرها و فعالین و دوستان سازمان جوانان حکمتیست، از مبلغان پرشور این منشور خواهند بود.

ما همه جوانان را به حمایت از این منشور فرا میخوانیم. باید با حمایت از این منشور نشان داد که آینده ای انسانی با سرنگونی قطعی رژیم اسلامی ممکن است. این آینده را ما رقم خواهیم زد.

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

۲ اسفند ۱۳۸۲ - ۲۰ فوریه ۲۰۰۵



موسیقی پاپ و هندی در "حسین پارتی"

جوان و آخواندهای مداح شده است و انتقاد کرده است. اما هرچه باشد این چند روز فرصتی است که جوانان دور هم جمع شوند و به ریش این سفیهان از گور بر خاسته بخندند.



هر چند جوانان دست این نمایندگان مفلس خدا را خوانده اند. به عناوین مختلف قوانین جوان ستیز اسلامی را زیر پا میگذارند. از هر فرصتی برای دهن کجی به اسلام بهره میجویند. اما این تمام ماجرا نیست. از یک طرف ما هر روز شاهد کسادی بازار تحمیق و خرافه مذهبی هستیم و طرف دیگر جوانان از هر امکانی که بشود شادی و نشاط خود را نشان بدهند استفاده میکنند. در غیاب کارناوالهای شادی که در اکثر کشورهای جهان هر ساله در ایام خاصی برگزار میشود، جوانان را به فکر استفاده از وضع موجود انداخته است. تبدیل کردن عاشورا به "حسین سال" اخیر که بساط آنرا پهن کرده و یکی از مشخصه های این جانوران اسلامی شادی ستیزی و مقابله با خواسته های نسل جوان در ایران است، پاپ آمیخته اند که هنگام خواندن،



جمال کمانگر

دیر زمانی است که مراسم عاشورا و محرم به محلی برای دیدار جوانان دختر و پسر و گذاشتن قرار و مدارهایشان تبدیل شده است. اما این برای جوانان کافی نبوده و نیست. جو سرکوب و ارباب رژیم در طول ۲۶ سال اخیر که بساط آنرا پهن کرده و یکی از مشخصه های این جانوران اسلامی شادی ستیزی و مقابله با خواسته های نسل جوان در ایران است، پاپ آمیخته اند که هنگام خواندن،

اینها با حجابشان، معلم طالبان و حماس و جهاد اند!

کفتگو با ثریا شهابی

جوانان حکمتیست: ۲۶ سال پیش انقلاب برحق مردم ایران برای برابری و رفاه شکست خورد. نتیجه این شکست به قدرت رسیدن دایناسوری بنام جمهوری اسلامی بود. یک رژیم قرون وسطایی سرتاپا ضد زن و ضد بشر جای دیکتاتوری پلیسی شاه را گرفت. به نظر شما، حجاب اجباری و اعمال آپارتاید جنسی بر زندگی زنان، در سرکار آمدن رژیم و بقا و تداوم آن تا امروز چه نقشی را ایفا کرده است؟

ثریا شهابی: بنظر من حجاب اجباری و شکل دادن به یک آپارتاید جنسی در تثبیت حاکمیت اسلامی در ایران و عروج و انسجام و متشکل کردن جریان اسلام سیاسی در جهان، نقش تعیین کننده داشته است. این پدیده بعنوان یک پلاتفرم سیاسی، در انقلاب ایران در ۲۶ سال پیش متولد شد، پا گرفت و در سطح جهانی رشد کرد. حجاب و آپارتاید جنسی چیزی بیش از احجاف و تبعیض و بی عدالتی و نابرابری است. این یک فاشیسم سیستماتیک ضد زن است که تنها میتواند با فاشیسم هیتلری مقایسه شود. کوره های آدم سوزی اس

اس ها، دستگاه شستشوی مغزی، مهندسی افکار علیه نژاد "پست" و نسل کشی که فاشیسم هیتلری زیر صلیب شکسته کرد، جریان اسلامی با حجاب و آپارتاید جنسی کرد. اما چون این نوع فاشیسم نامش مذهب است، و هنوز در ایران در قدرت، بشیریت از ابعاد تخریبی آن مطلع نیست. حجاب تنها لگو آزادی پوشش زنان نیست! این تنها نقض آزادی زن در اعمال سلیقه اش نیست! اجبار "حجاب" بعنوان یک قانون در یک جامعه، یک سیاست و توپخانه ضد زن و ضد بشری و یک پدیده بسیار پیچیده تر از حق پوشش و یا تبعیض علیه زن است. حجاب یک دستگاه سیستماتیک تحمل زندگی قرون وسطایی به جامعه چند ده میلیونی در اوج تمدن بشری قرن بیستمی است. مسنله، تحمل یک عقب گرد چند هزارساله است به شیوه های قرون وسطایی! که حجاب محور و مرکز این عقب گرد است. حجاب در ایران معنای پیروزی رژیم و شکست



جوانان حکمتیست: بیشک در این مدت

چند سال حاکمیت رژیم اسلامی تلاش زیادی شد تا به جامعه رنگ مرگ، حجاب و زن ستیزی بپاشند. ماشین سرکوب، توسری و روسری برای اسلامیزه کردن جامعه ایران به کار افتاد و تا به امروز ادامه دارد. فکر می کنید چرا و چه عواملی پروژه اسلامی کردن جامعه ایران طبق شواهد و رویدادهایی که گویای تشنگی زنان این جامعه برای آزادی و برابری است، به شکست کشانیده است؟

ثریا شهابی: درست است! پروژه

حکومت اسلامی ایران برای اسلامیزه کردن جامعه، محجبه کردن دختران و زنان، و رساندن توقع مردم از زندگی به نیازهای بردگان عصر برده داری، شکست خورد. به قیمت قتل علم و سرکوب و شلاق و دار و سنگسار و نابودی زندگی کودکی دونسل از کودکان، شکست خورد. دلیل این شکست، بی قواره بودن لباس اسلامی بر تن جامعه ایران است. ایران هرگز جامعه ای اسلامی نبود. سکولاریسم کوتاه شدن دست مذهب از زندگی مردم در ایران ریشه دار تر از آن است که بتوان حتی با نسل کشی و اعمال فاشیسم و کشیدن دیوار و حصار بر دور مملکت، آن را اسلامیزه کرد. بقول منصور حکمت فرهنگ اسلامی که بر ایران حاکم کرده اند، ۲۰۰ سال از تاریخ آن مملکت عقب است. مردم ایران اوایل قرن بیست، یک صد سال پیش در انقلاب مشروطه دست آخوند و مذهب را از حکومت کوتاه کردند. عقب گردی که با شکست انقلاب ۵۷ بر مردم ایران تحمیل شد، نمی توانست پایدار بماند. در مملکتی که نسل پدر بزرگ و مادر بزرگ های آن کاروان اسلام صادق هدایت و علیه حجاب ملک الشعرا خوانده اند و تجربه حمله به حکومت ساقط میشود! این ابعاد کارکرد حجاب را به خوبی نشان میدهد.

هیپسیسم و انقلاب جنسی اروپا تاثیر گرفته بودند، را نمی شد به عهد حجر بازگرداند! مقاومت در مقابل ارتجاع اسلامی ضد زن در ایران جزئی از متابولیسم طبیعی حیات در آن جامعه بیمار بود و هست. در چنین شرایطی زنان و جوانانی که تحت شستشوی مغزی دستگاه خمینی بزرگ شدند، نه تنها سربازان امام زمان نشدند که جنگجویانی علیه اسلام و نیروی یک انقلاب ضد اسلامی شده اند. واقعیت این است که حکومت اسلامی را مقاومت و تعرض جوانان علیه عقب گرد اسلامی، به شکست کشانده است. ۸ مارس می تواند روز خوبی برای نمایش عظیم اعتراضات، تجمعات و جشن گرفتارهای متعدد سر مطالبات مدرن، برابری طلبانه و امروزی زنان اهمیت این روز در مبارزه زنان برای رهایی از چنگال حجاب اجباری و آپارتاید جنسی در جامعه ایران چیست؟ ثریا شهابی: به نظر من اهمیت هشت

مارس، در صف آرایی، اتحاد و انسجام بخشدن به جنبش عظیمی است که در سنوآل قبل گفتیم که رژیم اسلامی را به شکست در پروژه اسلامیزه کردن جامعه کشانده است. این روزی است که برای همه کسانی که آرزوی مرخص شدن بختک اسلامی بر زندگی شان را دارند، امکان تعرضی وسیع فراهم میکند. باید از آن استفاده کرد. استفاده درست کرد. از فردای ۸ مارس جنبش احقاق حقوق زنان، جنبش خلاصی فرهنگی از ارتجاع اسلامی، جنبش جوانان برای زندگی انسانی، باید در موقعیت قدرتمندتری نسبت به دیروز خود قرار گیرد. هشت مارس روز جهانی زن است. یعنی همه گوش ها و چشم ها در سراسر جهان بر روی دیدن و شنیدن در مورد مسائل زنان باز است. روزی است که تریبون ها بر روی اعتراضات به تبعیض و بی حقوقی زن در سراسر جهان، باز است. به یمن مبارزات زنان و جوانان در ایران، و به همت اپوزیسیون رادیکال و برابری

مارس، در صف آرایی، اتحاد و انسجام بخشدن به جنبش عظیمی است که در سنوآل قبل گفتیم که رژیم اسلامی را به شکست در پروژه اسلامیزه کردن جامعه کشانده است. این روزی است که برای همه کسانی که آرزوی مرخص شدن بختک اسلامی بر زندگی شان را دارند، امکان تعرضی وسیع فراهم میکند. باید از آن استفاده کرد. استفاده درست کرد. از فردای ۸ مارس جنبش احقاق حقوق زنان، جنبش خلاصی فرهنگی از ارتجاع اسلامی، جنبش جوانان برای زندگی انسانی، باید در موقعیت قدرتمندتری نسبت به دیروز خود قرار گیرد. هشت مارس روز جهانی زن است. یعنی همه گوش ها و چشم ها در سراسر جهان بر روی دیدن و شنیدن در مورد مسائل زنان باز است. روزی است که تریبون ها بر روی اعتراضات به تبعیض و بی حقوقی زن در سراسر جهان، باز است. به یمن مبارزات زنان و جوانان در ایران، و به همت اپوزیسیون رادیکال و برابری



رفراندم، جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست درباره سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین حق مردم در تعیین نظام آینده حکومتی ایران و منشور سرنگونی جمهوری اسلامی

سرنگونی جمهوری اسلامی مساله محوری جامعه ایران شده است. شکست دو خرداد بار دیگر نشان داد، همانطور که ما اعلام کرده بودیم، حکومت اسلام نه قابل اصلاح است و نه حکومت اصلاح شده و "خوش خیم" اسلام مشکل جامعه و مردم ایران را حل میکند. اما تجربه دو خرداد برای مردم ایران با هزینه بسیار گزاف انسانی همراه بود و نباید اجازه تکرار پیدا کند. میلیونها انسان، چند نسل از کودکان، زنان، کارگران، جوانان، و کوچک و بزرگ این جامعه طی این مدت ۸ سال زیر سلطه حکومت اسلام به تباهی فیزیکی و معنوی کشانده شدند. امروز همه مردم اعلام میکنند که غم، گرسنگی، خفقان، بیکاری، بی حقوقی در یک کلام جمهوری اسلامی بس است! این رژیم باید فوراً سرنگون شود!

شکست دو خرداد

خاتمی و انتلافی که او را به قدرت رساند نماینده آن بخش از جمهوری اسلامی است که خطر انقلاب علیه نظام اسلام را دید و تلاش کرد تا مردمی که دیگر مرعوب سرکوب عریان جمهوری اسلامی نبودند را به وجود یک جناح "اصلاح طلب" در درون رژیم متقاعد کند. جناحی که قرار بود ادامه حکومت اسلام در پوشش جدید را مقدر نماید. به همراه خاتمی و انتلاف حکومتی او آن بخش از حامیان سیاسی جمهوری اسلامی که به زور، به اپوزیسیون رانده شده بودند مجدداً در دفاع از این جناح جمهوری اسلامی و علیه تحریک انقلابی مردم برای سرنگونی نظام اسلامی به خط شدند و به میدان آمدند. همه "درس آموزی ها" از عمق کثافت همکاری شان با جمهوری اسلامی علیه مردم و نیروهای سیاسی مخالف جمهوری و دوره "دمکرات" شدن ایندولوپیک اینها بعد از سقوط بلوک شرق یکسره به فراموشی سپرده شد. به همراه حزب توده و اکثریت، همه محافل و جریانات منشعب از آنها به سنگر طرفداری از رژیم و یک جناح آن رجعت کردند و مجدداً به شیوه ای مشمنز کننده در مقابل اعتراض انقلابی مردم ایستادند و علیه جریانات چپ سرنگونی طلب لجن پراکنی کردند. بخش وسیعی از روشنفکران، نویسندگان، شعراء، و ژورنالیست ها، نشریات و رسانه های داخلی و خارجی به این صف پیوستند و تلاش کردند مردم را به بدنبال بخش "معتدل" رژیم بکشانند. ماحصل همه اینها پیدایش دوره جدیدی در تحریک اپوزیسیون طرفدار رژیم، تحت پرچم دفاع از خاتمی و موج تعرض هیستریک این جریانات به کمونیستها و به نفس مبارزه علیه کلیت رژیم اسلامی بود. برخلاف تبلیغات ریاکارانه دو خردادی های خارج و داخل کشور انتخاب خاتمی شروع آزادی نبود. خاتمی و انتلاف مدافع او، بعنوان شرکای قدیمی حاکمیت خونین اسلامی در ایران، ابداً چنین هدفی را دنبال نمیکردند. روند

و "میان بر بودن" دومی، جز تباهی برای مردم چیزی به ارمان نخواهند آورد. اگر دو خرداد به عمر جمهوری اسلامی افزود، این سیاستها نه تنها به عمر جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در ایران اضافه خواهد کرد بلکه بنیاد های زندگی مدنی را در ایران خواهد پاشاند، با دادن کنترل سرنوشت و زندگی مردم به دست دار و دسته های مسلح مذهبی، قومی، عشیره ای و فاشیست، تباهی کامل را بر مردم ایران تحمیل خواهند کرد. ایران را عراقیزه میکنند. طرح رفراندم و دخالت نظامی آمریکا هردو، جامعه را به سراسیب اضمحلال سوق میدهد.

رفراندم

آنچه که تحت عنوان رفراندم یا همه پرسی از مردم در مورد نظام حکومتی آینده ایران از جانب اپوزیسیون راست مطرح میشود به هیچ عنوان تضمین کننده حق مردم در تعیین نظام آتی حکومت در ایران نیست. طرح رفراندم به عکس آنچه که ادعا میکند منشور سازش با جمهوری اسلامی یا بخشی از آن است.

طرح رفراندم پرچم مشترک اپوزیسیون راست است. طرحیست برای شکل دادن به وسیعترین اتحاد در اپوزیسیون راست. رفراندم امروز نه تنها سازمانها و روشنفکران و دو خردادی های تازه جمهوری خواه شده را با خود دارد، بلکه قرار است، با "تفسیر خاصی"، بخش هایی از دوخرداد سابق درون رژیم را هم "پای میز مذاکره" و توافق بکشد و به آنها اهرم مقاومت بدهد. رفراندم به علاوه طرح "مردم دست نگهدارید تا ما رژیم را به رفراندم بکشیم"، طرح "مردم شلوغ کردن لازم نیست ما داریم توافق میکنیم" است. طرح دور کردن مردم از دخالت مستقیم در سیاست و ناآرام اعلام کردن سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم است. این طرح چه در قالب رفراندم یا وجود جمهوری اسلامی و چه در قالب رفراندم بعد از جمهوری اسلامی در هر دو حالت طرحی برای بیرون کردن مردم از میدان مبارزه انقلابی، سازش با بخش هایی از جمهوری اسلامی و مصون نگاه داشتن دستگاه سرکوبگر دولت و نهادهای مذهبی از تعرض مردم است. رفراندم در هردو حالت منجر به در میدان ماندن جریانات اسلام سیاسی در موضعی قوی و گسیختگی کامل زندگی مدنی در ایران و تعمیم خشونت، قساوت و وحشیگری قومی، مذهبی و عشیره ای بر همه جوانب زندگی مردم میشود.

رفراندم با وجود جمهوری اسلامی

یک "تفسیر" از طرح رفراندم، برگزاری رفراندم با وجود جمهوری اسلامی زیر فشار بین المللی، فشار مردم و یا ترکیبی از هردو است. تصور

طیف همه سلطنت طلب نیستند اما تمایلات دست راستی و محافظه کارانه، ناسیونالیسم افراطی و ترس از هم پاشیدن دستگاه دولتی جمهوری اسلامی توسط مردم آنها را فعلاً کنار هم گذاشته است. علاوه بر طیف سنتی راست امروز بخش مهمی از دو خرداد "رادیکالیزه" شده و زیر پرچم عمومی "جمهوری خواهان" به اردوی اپوزیسیون راست پیوسته اند. اینها در مدار سیاسی کمابیش نزدیکی، گرد سلطنت طلبان میچرخند.

خصلت سیاسی اپوزیسیون راست این است که از مردم بیش از جمهوری اسلامی هراس دارد. اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی را نمیخواهد، این واقعیت است. آنها "سلطنت" یا "جمهوری" نیمه سلطنتی میخواهند. "رادیکال"ترینشان طرفدار قانون اساسی مشروطه منهای سلطان است. اما دخالت مستقیم مردم در سیاست و درهم کوبیدن دولت جمهوری اسلامی توسط مردم، چنان شرایط انقلابی ای را فراهم میکند که اعمال "نظم و قانون" استبدادی، که لازمه تولید و بازتولید سرمایه دارانه است، را مشکل میکند. راست محتاج آنست که به سرعت "خاتمه انقلاب" را اعلام کند، برای تضمین بردگی مزدی مردم را از صحنه دخالت مستقیم در سیاست دور نگهدارد و آنها را "سرکارشان بفرستد". انجام اینکار بدون وجود دستگاه بگیر و ببند دولتی حاضر و آماده جمهوری اسلامی دشوار است. اپوزیسیون راست میخواهد جمهوری اسلامی، با کمترین دخالت مردم سرنگون شود، دستگاه دولتی جمهوری اسلامی را برای اعمال "حکومت نظم و قانون" حتی المقدور دست نخورده تحویل بگیرد و کنار رفتن تعدادی از سران جمهوری اسلامی را، سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی مردم بنمایاند. اپوزیسیون راست برای رسیدن به این هدف دو سیاست اصلی را در مقابل جامعه قرار داده است: رفراندم و توسل به دخالت نظامی آمریکا. این سیاستها، علیرغم ظاهر "مسالمت جویانه" اولی

رشد حرکت اعتراضات مردم و تناقضات و تنشهای درونی رژیم اسلامی به سرعت معادلات سیاسی را تغییر داد. مردم و رژیم، هردو، پدیده خاتمی و تصورات و توهمات دو خرداد را پشت سر گذاشتند. دو خرداد شکست خورد و مضمحل شد. امروز دیگر هر اعتراضی به سرنگونی جمهوری اسلامی میرسد. سرنگونی طلبی به بستر اصلی اعتراض مردم تبدیل شده است. جمهوری اسلامی غیر قابل اصلاح است؛ این حکم دیگر یک حکم داده در مبارزه اعتراضی مردم است. این موقعیت در کنار ناتوانی ذاتی جمهوری اسلامی در بیرون آوردن اقتصاد جامعه از بین بست کنونی اوضاع سیاسی را بسمت تلاطم های مهم و تقابل حاد و مستقیم مبارزات اعتراضی مردم و طبقه کارگر با حکومت ارتجاعی سوق میدهد. دو خرداد خرواری دروغ تحویل مردم داد و ۸ سال وقت و عمر مردم تلف کرد.

آرایش جدید اپوزیسیون راست

شکست دو خرداد ضرورت سرنگونی را بیش از همیشه به جلو صحنه رانده است. جنبش سرنگونی، جنبشی که جز سرنگونی کامل جمهوری اسلامی به هیچ چیز کمتری رضایت نمیدهد، اما، هنوز پرچم و رهبری خود را پیدا نکرده است. مردم رهبر و پرچم روشنی ندارند که حول آن نیروی خود را متحد کنند، به میدان بیاورند، جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و پیروزی را از آن خود سازند. امروز در مقابل جمهوری اسلامی دو نیروی سرنگونی طلب در جامعه، یعنی چپ و راست، تلاش میکنند که جامعه را حول پرچم خود متحد کنند. ناروشنی مردم در معنای پیروزی جنبش سرنگونی، فرجه ای را برای اپوزیسیون راست ایران بوجود آورده است تا نوع دیگری از مامشات با دستگاه دولتی و کنار زدن و سرکوب بعدی مردم را پیروزی بنمایاند. اپوزیسیون راست سنتا در مدارهای بزرگ یا کوچک حول جریان سلطنت طلب میگردند. در این

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اینکه جمهوری اسلامی، و اسلام سیاسی، که هر روز از این تا آن سر دنیا آفرادش به خود بمب میندند، آدمها را جلو دوربین تلویزیون سر میبرند و ایدئولوگ هایشان علنا در همین جمهوری اسلامی به این کارها مباحثات میکنند، حاضر میشود خود رفتارندمی را برگزار کند که میدانند در آن سرنگون میشود، اگر شیدانه نباشد، ابلهانه است. این "تفسیر" دوخردادی های درون رژیم است و پرده دوم نمایش دو خرداد است. دادن این تصور به مردم که رژیمی که دارد جلو چشم همه شلاق میزند، سر میبرد، سنگسار میکند، اورانیوم غنی میکند و پلوتونیوم میسازد و تازه در مضحکه انتخاباتی در عراق جنوب آنرا رسماً تحویلش داده اند، برای سرنگونی خود رفتارندم برگزار میکند؛ آزادی تبلیغات میدهد، شمارش آرا را درست انجام میدهد و با اعلام شکست در انتخابات آخوندها در مراسم "تحلیف" رئیس جمهور یا شاه بعدی شرکت میکنند و بعد از این مراسم برای شکار پروانه و مطالعه در زنجیره حیات، عازم "حوزه های علمیه" میشوند کلاهدرداری سیاسی است. کسانی که به مردم میگویند سپاه پاسداران، گله حزب الله و انصارالله و آدمکشان و شکنجه گران وزارت اطلاعات همگی، بعد از "رای نیابردن" در رفتارندم کنار میروند، ریششان را میتراشند، ادکلن میزنند و فلسفه درس میدهند یا مدرسه مطالعات استراتژیک تاسیس میکنند شارلاتان هستند. اگر مردم جمهوری اسلامی را به قبول رفتارندم کشیده باشند، قبل از آن باید آن را سرنگون کرده باشند. این نسخه از رفتارندم برای باز گذاشتن امکان "سر در آوردن" جمهوری اسلامی یا جناحی از آن از صندوق "رفتارندم" است. نسخه به سازش کشیدن دستگاه دولتی جمهوری اسلامی بر علیه بخش کوچکی از رهبران رژیم برای مصون نگاه داشتن دستگاه دولت جمهوری اسلامی است. این طرح، در صورت اجرا، بخش اعظم امکانات مالی، انسانی، تسلیحاتی و سیاسی را همچنان در اختیار دارودسته های اسلامی باقی میگذارد و امکان میدهد که بنیادهای زندگی مدنی دانما گروگان باجگیری این دارودسته های اسلامی باشد و کل جامعه همواره در معرض دست اندازی آنها قرار بگیرند. ابعاد جنایات و وحشیگری های دارودسته های اسلامی در چنان حالتی در حدی خواهد بود که حتی امروز مقتضیات حکومتی شان در ایران آنرا برایشان نامقدور کرده است. این رفتارندم نسخه معطل کردن مردم برای رسیدن اپوزیسیون راست به سازش با جمهوری اسلامی علیه خود مردم است.

چنین دخالتی نسخه عرافیزه کردن ایران است. اگر زندگی، آینده و آزادی مردم ایران، درست مانند مورد عراق، در سیاست آمریکا جانی ندارد و دولت آمریکا بالقوه میتواند در یک ماجراجویی نظامی، دیگر شیرازه زندگی مدنی در ایران را از هم بپاشد، اپوزیسیون راست در اوج بی مسئولیتی آماده است در این پروژه شریک شود. فاشیست هانی که دست خدا را در آستین بوش یافته اند و برای به قدرت رسیدن خود و برای ممانعت از دخالت مستقیم مردم در قدرت سیاسی آماده اند تا هستی و نیستی میلیونها انسان را در ایران به باد بدهند و مدنیت را برای چند دهه از ایران برچینند. این مشمنز کننده و انزجارآور است. طبقه کارگر و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست افشای این سیاست ضد انسانی از جانب راست و روشن کردن سراب "نجات" توسط ارتش آمریکا برای مردم و طبقه کارگر را امر خود میداند و به آنها گذشت نخواهد کرد.

رفتارندم بدون جمهوری اسلامی

برداشت "رادیکال" تر از طرح رفتارندم، موقوف کردن رفتارندم به بعد از سقوط جمهوری اسلامی است. این تفسیر برای مقابله با نقد چپ از رفتارندم و جذابیت شعار سرنگونی طلبانه "آزادی، برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و بالاخره خنثی کردن نارضایتی بخشی از اپوزیسیون میلیتانت راست از طرح رفتارندم است. در این "قرائت" گرچه شرمگینانه، سرنگونی مقدم بر رفتارندم نمایانده میشود اما در این "استراتژی"، هدف فوری، سرنگونی اعلام نمیشود، رفتارندم اعلام میشود! این وارونگی اتفاقی یا سهوی نیست. تقدم رفتارندم بر سرنگونی، در این سطح، برای اپوزیسیون راست دو خاصیت مهم دارد. اولاً با راندن مسأله سرنگونی جمهوری اسلامی، بعنوان هدف فوری، به پس پرده، آن را به موضوع جانبی، قابل تفسیر، قابل مذاکره، و قابل بحث اعلام میکند. ثانیاً به همین دلیل امید دارد که بخش هایی از دستگاه دولت جمهوری اسلامی را بخود جلب کند. اگر دوخرداد میخواست اسم و دستگاه دولت جمهوری اسلامی را هردو با هم نگاه دارد، این سیاست دست از اسم شسته میخواد راه نجات دیگری را در مقابل دستگاه قتل عام مذهبی- سیاسی فاسد جمهوری اسلامی قرار دهد. هدف این سیاست باز گذاشتن امکان کناره گیری تعدادی از رهبران جمهوری اسلامی برای نجات دستگاه دولت در شرایطی که خطر قیام مردم دستگاه دولت جمهوری اسلامی را تهدید کند است.

طرح رفتارندم مطرح شده از جانب اپوزیسیون راست در هر دو حالت خود علاوه بر اینکه حق انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده ایران را از مردم دریغ میدارد، با دادن مجال ادامه زندگی، تجدید قوا و فعالیت به اسلام سیاسی و دارودسته های تروریست - جنایتکار جز سیطره آدم کشی، بمب گذاری و ناامنی بر تمام گوشه و زوایای این جامعه و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی حاصلی نخواهد داشت. رفتارندم در هر دو حالت آن، طرح دست نخورده نگاه داشتن بخشی از دستگاه جمهوری اسلامی است و بانی سیه روزی آتی مردم است. طرح رفتارندم به عکس تصویر "غیر خشونت آمیزی" که از خود میدهند منشاء بدترین نوع خشونت در جامعه و باعث حاکمیت سیاه ترین و جانیتکارترین نیروهای موجود بر زندگی و هستی مردم میشوند. رفتارندم نسخه نگاه داشتن اسلام سیاسی در صحنه و تباهی جامعه است.

دخالت نظامی آمریکا

دخالت نظامی آمریکا، چه بعنوان یک تهدید و چه بعنوان یک سیاست در حال اجرا، بخش انتگره سیاست اپوزیسیون راست و مکمل طرح رفتارندم است. تهدید دخالت نظامی آمریکا برای اپوزیسیون راست ابزار اعمال فشار بر سران جمهوری اسلامی برای تن دادن به یک سازش از بالا برای تغییر رژیم با حفظ ماشین دولتی جمهوری اسلامی است. این همان هدفی است که طرح رفتارندم تعقیب میکند. اما این دخالت و یا تهدید تاثیر معکوس دارند. اسلام سیاسی بعنوان یک سنت ارتجاعی ریشه دار است.

سیاست حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

نزدیک ترین، مطمئن ترین و کم دردترین راه سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین منشور پیروزی جنبش سرنگونی قیام مردم علیه جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای



سرنگونی رژیم ارتجاعی و جنایتکار اسلامی توسط قیام طبقه کارگر و توده وسیع مردم آزادیخواه ایران و تصرف قدرت سیاسی تلاش میکند. حزب ما به استقبال مبارزات رو به رشد کارگری و اعتراضات مردمی علیه کلیه ابعاد موجودیت رژیم اسلامی میروود و با متحد کردن، سازمان دادن طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در قالب شبکه ها و انواع مختلف سازمان های توده ای و بویژه با اتکا بر جنبش مجمع عمومی دامنه قدرت و اقتدار مردم در مقابل جمهوری اسلامی را گسترش میدهد. گسترش مبارزات و اعتراضات نیروی واقعی سرنگونی رژیم و تحقق آزادی در ایران است

آلترناتیو فوری و بلاواسطه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست حکومت سوسیالیستی است. اما حزب ما بر این واقعیت واقف است که موقعیت ایزدکنیو کنونی، سرنگونی جمهوری اسلامی را به موضوع انقلاب در حال شکل گیری در ایران تبدیل کرده است. درست بر همین متن است که اپوزیسیون راست امکان قرار دادن آلترناتیو

سیاسی خود در مقابل جامعه را یافته است. بلوغ پرولتاریا و بورژوازی ایران در انقلاب ۵۷ و در میدان بودن جریانات اسلامی، قومی و فاشیست تصور هرگونه "همه با هم"ی در تحولات ایران را به پدیده ای ناممکن تبدیل کرده است. هر طبقه، هر جنبش اجتماعی و هر حزب سیاسی تلاش دارد تا خود را برای دوره بعد از جمهوری اسلامی آماده کند. سیاست امروز همه احزاب ناشی از مقتضیات فردای آنهاست. سرنگونی جمهوری اسلامی، در تمایز از انقلاب ۵۷ ایران، تازه نقطه شروع انقلاب واقعی است. جامعه بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی دستخوش عمیقترین کشمکش های تاریخ سیاسی ایران برای تعیین نظام حکومتی آینده ایران میشود. این اجتناب ناپذیر است. تمام تلاش ما معطوف به آن است که این دوره با ضمانت وسیعترین آزادی ها، با تضمین دخالت مستقیم مردم در سیاست، با تبدیل منشور سرنگونی جمهوری اسلامی به خواست همه مردم آزادیخواه در ایران، امن ترین، آزادترین، کم خشونت ترین و کم دردترین راه را برای تضمین

حق مردم در تعیین نظام آتی حکومت در ایران متحقق شود. حزب ما در تلاش است تا یک حزب سیاسی قوی، توده ای و مقتدر ایجاد کند و بتواند با اتکا به نیروی مردم آزادی و امنیت در جامعه را تضمین کند. تضمین کند که انقلابی که جمهوری اسلامی را سرنگون میکند، طبقه کارگر و مردم را در بهترین شرایط برای تعیین نظام آتی حکومت قرار دهد.

انقلاب ما انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر است. انقلاب سوسیالیستی مربوط به امروز جامعه است. سیاست ما تلاش برای ادامه بدون انقطاع هر انقلابی به انقلاب سوسیالیستی است. پیروزی جنبش سرنگونی برای ما تنها پیش درآمد بلاواسطه انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر است. این وظیفه ماست که تا هنگامی که حاکمیت سرمایه بر زندگی مردم و جامعه خاتمه نیافته است و تا وقتی که بیانیه حقوق جهانشمول انسان بعنوان پرچم پیروزی ارزش های انسانی به اهتزاز در نیامده و به قانون تخطی ناپذیر جامعه تبدیل نشده است، با شرکت در هر جنبش انقلابی،

مقدمه

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفایی خلاقیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی. جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

اکثریت عظیم مردم جهان اما نه از آزادی بهره مند هستند و نه به امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه، که خود خالق آن هستند، دسترسی دارند. مقدرات زندگی مادی و معنوی انسان به تولید برای سود وابسته است. استثمار و انقیاد اقتصادی توده عظیم انسانی قانون حاکم بر جهان است و مقتضیات تولید سود و سود آور نگاه داشتن صدها میلیون انسان منطق نظام سرمایه داری است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همگی مصائب و محرومیت هانی هستند که هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لاینجزای این نظام، باز تولید میشوند. آزادی بشر از نظر بورژوازی، در اساس، آزادی استثمار کردن و استثمار شدن است. آنجا هم که پای حقوق بشر به میان کشیده میشود در بهترین حالت حقوق سیاسی مشروط و محدودی تصویر میشود که استفاده از آن برای اکثریت کسانی هم که شامل آن شده اند ممکن نیست. آزادی و برابری با انقیاد اقتصادی متناقض است. حقوق بشر سرمایه داری با مسکوت گذاشتن این واقعیت نمیتواند پاسخگوی نیاز انسان باشد. بیانیه حقوق بشر تضمین کننده آزادی و برابری انسانها نیست. ابزار جلوگیری از طغیان مردم آزادیخواه و برابری طلب است. وسیله ای برای مناعت از جلب مردم و متفکرین و آزادیخواهان به ابعاد عمیقتر حقوق بشر و درک تناقض حقوق انسان با ماهیت نظام سرمایه داری است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با انتشار بیانیه حقوق جهانشمول انسان تصویر روشنی از مبنای حقوق انسان را بدست میدهد. حزب کمونیست کارگری -

حقوق جهانشمول انسان

حکمتیست این حقوق را حقوق همه انسانها در هر نقطه جهان میداند و برای تحقق آن میکوشد.

اعلام حقوق جهانشمول انسان علاوه در متن تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و نقشی که حزب کمونیست کارگری حکمتیست بر عهده دارد اهمیت ویژه خود را دارد. جامعه ایران دستخوش یکی از عظیم ترین تحولات تاریخ خود است. جمهوری اسلامی در شرف سرنگونی است و مردم ایران میتوانند و باید علاوه بر سرنگونی جمهوری اسلامی نظامی را بنا نهند که در آن آزادی و برابری در عمیق ترین و وسیعترین سطح فردی و اجتماعی متحقق گردد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعلام میکند که مواد حقوق جهانشمول انسان را حقوق تخطی ناپذیر مردم میداند و با تصرف قدرت سیاسی و اعلام جمهوری سوسیالیستی همه این حقوق را بعنوان مبنای قوانین و سیاست های جامعه اعلام میکند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کلیه احزاب سیاسی و کلیه مردم در ایران و جهان را به حمایت جدی از بیانیه حقوق جهانشمول انسان دعوت میکند.

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

مواد زیر حقوق جهانشمول و انکار ناپذیر انسان است. هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از جامعه را از هیچ یک از حقوق این سند نمیتوان محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه

- هستند.
- ۱ - حیات پایه ای ترین حق انسان است. جسم و روح افراد از هر نوع تعرض مصون است.
 - ۲ - استثمار انسان ممنوع است. کار مزدی، که اساس استثمار انسان در دنیای امروز است، و همچنین هر نوع انقیاد، بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیهی ممنوع است.
 - ۳ - کار فعالیت آزاد و خلاق انسان است. هر کس حق دارد خلاقیت های فکری و عملی خود را گسترش داده و بکار اندازد.
 - ۴ - هرکس مستقل از نقش او در تولید میتواند از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار گردد. همه انسانها در برخورداری از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه دارای حق برابر هستند.
 - ۵ - همه انسانها حق فراغت، تفریح، آسایش و امنیت دارند. هر کس حق دارد از مسکن مناسب و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی برخوردار باشد.
 - ۶ - هر کودک حق یک زندگی شاد، ایمن و خلاق را دارد. تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. همه کودکان و نوجوانان باید استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی، در بالاترین سطح ممکن، داشته باشند.
 - ۷ - هر فرد، بدون قید و شرط، در داشتن هر عقیده و بیان آن در شکل نوشتاری، شفاهی، هنری، یا هر شکل دیگری چه بصورت فردی و چه جمعی آزاد است. نقد هر چیز و انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه، همچنین اعتراض و اعتصاب کردن بصورت فردی یا جمعی حق بی قید و شرط هر فرد است. هر فرد میتواند هر حزب یا تشکلی را ایجاد کند و یا به چنین نهادهایی بپیوندد.
 - ۸ - داشتن حرمت و شخصیت حق هر انسان است. هر نوع افترا، هتک حرمت ممنوع است. هر نوع تبلیغ نفرت یا برتری مذهبی، ملی، قومی، نژادی و جنسی ممنوع است.
 - ۹ - تفتیش عقاید و تحمیل عقاید ممنوع است. هر کس آزاد است که درباره نظرات و اعتقادات شخصی خود سکوت کند. هر نوع تحریکات و تهدیدات علیه بیان آرا و نظرات افراد ممنوع است.
 - ۱۰ - شرکت مستقیم و مستمر در امر حاکمیت حق هر فرد است.

- ۱۶ - برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن حق هر انسان است.
- ۱۷ - معاشرت و زندگی اجتماعی حق هر انسان است. هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران ممنوع است.
- ۱۸ - جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی حق هر کس است. سانسور، و کنترل بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار میگیرد ممنوع است.
- ۱۹ - آموزش حق هر فرد است. هر کس حق دارد از امکانات جامعه امروزی برای ارتقای دانش و تخصص خود و یا آشنایی با دست آوردهای فکری و عملی بشریت زمان خود برخوردار شود. دسترسی به کلیه امکانات آموزشی موجود در جامعه و استفاده از آنها حق هر کس است.
- ۲۰ - هر سالمند حق یک زندگی شاد، خلاق و ایمن را دارد. هر کس حق دارد در دوره سالمندی، مستقل از موقعیت مادی خود، از بهترین امکانات زیستی، درمانی و بهداشتی بهره‌مند گردد. تضمین این حقوق برای سالمندان با جامعه است.
- ۲۱ - آزادی بی قید و شرط سکونت، سفر و نقل مکان حق هر فرد بزرگسال است. هر کس بدون قید و شرط حق دارد به هر کشور سفر کند و یا در هر کشوری اقامت بگزیند.
- ۲۲ - هر کس میتواند با پذیرش تعهدات حقوقی شهروندی، شهروند جامعه شود.
- ۲۳ - زندگی خصوصی افراد - محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی ممنوع است.
- ۲۴ - هر کس در انتخاب لباس آزادی بی قید و شرط دارد. هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر پوشش مردم، از زن و مرد، در امکان عمومی ممنوع است.
- ۲۵ - هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.
- ۲۶ - برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکارناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم، امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.
- ۲۷ - رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است.
- ۲۸ - قضات، دادگاه ها و سیستم قضایی بلحاظ حقوقی مستقل هستند. انتخاب و عزل قضات و سایر مقامات قضایی حق مردم است.
- ۲۹ - برپایی دادگاه های ویژه ممنوع است. کلیه محاکمات باید علنی برگزار گردند.
- ۳۰ - همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند. هیچ مقام یا فردی مصونیت قانونی ندارد. هر کس بی قید و شرط حق دارد علیه هر مقام دولتی در دادگاههای عدلی اقامه دعوا کند.
- ۳۱ - هر کس حق دارد از ادای شهادت علیه خود یا اعتراف خودداری کند.
- ۳۲ - اصل در کلیه محاکمات بر برانته متهم است. برخورداری از امکان رسیدگی و محاکمه منصفانه حق هر فرد است. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقاً ممنوع است و مبادرت به آن جرم جنایی محسوب میشود. کسب اعتراف با تهدید و تطمیع ممنوع است.
- ۳۳ - مجازات اعدام و حبس ابد یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد تحت هر شرایطی ممنوع است.
- مقامات و نهادهای دولتی و ارگانهای اداره امور از بالا تا پایین باید منتخب مردم باشند. مردم حق انتخاب و عزل کلیه مقامات و پست های سیاسی و اداری در کشور را دارند. کلیه افراد بزرگسال از حق رای همگانی و برابر برخوردارند و حق دارند برای هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی کاندید شوند.
- ۱۱ - دولت، ارگانهای اداره امور یا مقامات مختلف به خودی خود هیچ حقی در مقابل مردم، چه بصورت فردی و چه بصورت جمعی، ندارند مگر اینکه مردم این حق را به صراحت به آنها داده باشند.
- ۱۲ - دولت و نظام اداره جامعه باید تماماً غیر مذهبی و غیر قومی باشد. هر نوع کمک دولت به اشاعه هر مذهب یا دادن هر نوع مضمون یا ارجاع مذهبی، قومی و یا ملی به قوانین ممنوع است. هر نوع ارجاع به مذهب، قومیت یا ملیت افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها ممنوع است.
- ۱۳ - داشتن یا نداشتن مذهب، بی قید و شرط آزاد است. مذهب از دولت و آموزش و پرورش جداست. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. انتخاب یا عدم انتخاب مذهب امر بزرگسالان است. کودکان و نوجوانان از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی ممنوع باید باشند. جلب افراد غیر بزرگسال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع است. تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی ممنوع است.
- ۱۴ - تبیین مذهب رسمی و زبان رسمی اجباری ممنوع است.
- ۱۵ - سلامتی حق هر فرد است و هر کس حق دارد از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن خود از صدمات و بیماری ها برخوردار گردد و از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه استفاده کند.

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

- جمهوری اسلامی و تعرض هر نیرویی به آزادی ها و حقوق مردم.
- ۹ - اعلام جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.
- ۱۰ - لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی.
- ۱۱ - اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.
- ۱۲ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.
- ۱۳ - اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.
- ۱۴ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی.
- ۱۵ - لغو مجازات اعدام.
- ۱۶ - دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.
- ۱۷ - تضمین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.
- ۱۸ - ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه.
- ۱۹ - برگزاری رفتارندم در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی، برای دادن حق انتخاب آزاد و آگاه به مردم این مناطق برای ماندن در ایران بعنوان اتباع متساوی الحقوق با دیگران و یا جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل. این رفتارندم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در این همه پرسى، انجام شود.
- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه مردم آزادخواه، احزاب سیاسی، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلاى دارودسته های ارتجاعی و باند سپاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کاتگسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند.

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است.

معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است.

- ۱ - اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی
- ۲ - انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها .
- ۳ - انحلال کامل وزارت اطلاعات.
- ۴ - قابل دسترس کردن کلیه آرشیوها، بایگانی ها و پرونده های دولت از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات برای مردم.
- ۵ - مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی، "حوزه های علمیه" و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم.
- ۶ - انحلال کلیه "حوزه های علمیه"
- ۷ - دستگیری سران جمهوری اسلامی
- ۸ - مسلح کردن مردم در میلیس های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان



فواد عبداللهی

”انتخابات“ بی انتخابات! کل حکومت اسلامی را باید سرنگون کرد!

بازار مضحکه تبلیغات برای ”انتخابات“ دور بعدی، توسط اوپاشان اسلامی از همین الان گرم شده است. دوباره دارند در دیوارها را از پوستره‌های جگ و جانوران اسلامی و حکومتی پر می کنند. مستقل از اینکه در این دوره باز چه کمپنیهایی از طرف حکومت کاندید شده اند اما آنچه معلوم است این است که بعد از ۸ سال دفاع جاناته دوم خرداد از جمهوری اسلامی، مردم دیدند که جمهوری اسلامی قابل اصلاح نیست و باید کلیت آن از سر راه کنار رود. نه فقط بدین خاطر که وحشی، سرکوبگر و مستبد است بلکه همچنین چون با تعریف و استناداردهای زندگی عادی از دیدگاه مردم در تناقض است. تصور اینکه ادامه حیات بدون وجود خاتمی ها و خامنه ای ها و خیل جالادان حکومتی ممکن است، بیش از پیش برای جامعه روشن شده است. معلوم شد که نمی توان مردم را از ادامه زندگی به شیوه خودشان باز داشت. هیچگاه نتوانستند تصور جوان آن مملکت را از جامعه ای که می خواهد اروپایی و غیر مذهبی باشد پائین بکشند.

مسکن و امکانات استاندارد برخوردار شوند تا ”بم“ دیگری تکرار نشود و در مقابل زلزله و سیل و بارش برف محفوظ بمانند؟ کی قرار است رشت و روستاهای سیاهکل از محاصره برف خلاص شوند و دیگر به علت نبودن کمکهای اولیه و ”کمبود“ آمبولانس نمیرند؟ کی قرار است مردم سیر شوند و به علت کمبود نان و آذوقه هر روز و به شیوه های گوناگون اعتراض خود را اعلام نکنند؟ آیا قرار است کارگر انسان به حساب آید و تشکل مستقل خود را داشته باشد و دیگر به خاطر اعتراض به بی حقوقی، مزدهای پرداخت نشده و استعمار شاهد شلیک گلوله بر شقیقه و جان خودش و دوستاتش نباشد؟ آیا قرار است به معضل اعتیاد برای همیشه پایان داده شود و بیش از این انسانها برای خلاصی از دست فقر و تباهی فیزیکی و معنوی، در حسرت آزاد بودن و برابر زیستن به دنیای اوهاوم و بی خیالی پرواز نکنند؟ کی ما شاهد پایان دادن به پدیده ”کودکان کار“، اعدام کودکان و به بیگاری کشیدن و سوء استفاده جنسی از آنها خواهیم بود؟

آیا این واقعا ”انتخابات“ است؟! لیستی از جانوران و مرتجعین مدافع اسلام و حکومتش که همدست در ۲۶ سال جنایت علیه مردم هستند جلوی جامعه گذاشته اند. آیا قرار است بعد از ۷ هزار سال تمدن مکتوب بشری زن آدم به حساب آید؟ آیا قرار است لغو حجاب اجباری و آزادی پوشش به رسمیت شناخته شود و قانون آن مملکت گردد؟ آیا قرار است آپارتاید جنسی و تقسیم بندی انسان بر حسب جنسیت ملغای شود؟ آیا قرار است پسر و دختر در آن جامعه آزاده جلوی چشم اسلام و آخوند دست همدیگر را بگیرند و به دور از دخالت مذهب و قوانین گند قرون وسطایی همدیگر را در آغوش گیرند، ببوسند و رابطه جنسی داشته باشند؟ آیا قرار است دیگر کسی در خیابانها و در جدولها و در کارتونها نخوابد و از سرما یخ نزند؟ آیا قرار است مساجد و اماکن مذهبی مصادره شوند و تحقیق مردم و سوزانده شدن و جزاله شدن بشر در مساجد پایان یابد؟ کی قرار است انسانها از

شواهد حاکمی از این است که رژیم اسلامی سیکل خود را طی کرده است و باید سرنگونش کرد. تصور اینکه دوباره کسی مثل خاتمی پیدا شود که از نظر مردم تلافی ”تعدیل“ رژیم به ”تفع“ سرنگونی آن باشد، پوچ است، بی اعتبار است. ”اصلاح حکومت از داخل“ یگ توهم بود به اضافه ۸ سال بقاء دوباره آن. مردم زجر و درد ”کافی“ را در این چند سال متحمل شده اند. دیگر بس است! فتیله این رژیم را باید پائین کشید. هیچ ”انتخاباتی“ در سایه حکومت اسلامی مشروعیت نداشته و ندارد. باید دانشجویان و زنان و جوانان و کارگران را علیه این تبلیغات و مضحکه ها سازمان داد و به میدان آورد. ستادهای تبلیغاتی ”انتخابات“ شان را در دانشگاهها، محلات، کارخانه ها و اماکن عمومی بر سرشان خراب کنید.



تلویزیون پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

برنامه های پرتو روزهای
چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰
شب به وقت تهران (۵ تا ۶
بعدازظهر به وقت اردیای مرکزی
و ۸ تا ۹ صبح به وقت امریکای
غربی) از شبکه کانال یک
پخش میشود.
این برنامه پنجشنبه ها ساعت
۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح تهران مجددا
پخش میشود.

برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

جوانان حکمتیست را بخوانید و آن را تکثیر و پخش کنید!

از این سایت ها دیدن کنید:
www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktober.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مسئول خارج کشور:
جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۰۶۱۱۹

مسئول مانی: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۲۸۲۴۲۴۵



جوان تریبون منتشر شد!

سردبیر: عباس رضانی
Email:
abbasrcz@yahoo.com

تریبون ا

”جوان تریبون“
به مسایل اجتماعی،
سیاسی، فرهنگی و
اقتصادی جوانان
می پردازد.



جوانان

”جوان تریبون“
محلی برای درج اظهار
نظرهای شما خواهد
بود. ”جوان تریبون“
را بخوانید و به
دیگران معرفی کنید.

www.javanx.com